

عنوان درس

جهان غرق رحمت بی منتهای اوست

ویژه جوان

ارائه محتوا جهت استفاده
مربیان، ائمه جماعت و والدین محترم
www.SalehinZn.ir





فهرست

جهان غرق رحمت بی منتهای اوست	۳
تفاوت میان حمد، مدح، شک و نتایج آن	۳
معنای رب	۵
معنای عالمین	۵



جهان غرق رحمت بی منتهای اوست

بعد از «بِسْمِ اللَّهِ» که آغازگر سوره بود، نخستین وظیفه بندگان آنست که به یاد مبدء بزرگ عالم هستی و نعمتهای بی پایانش بیفتند، همان نعمتهای فراوانی که سراسر وجود ما را احاطه کرده و راهنمای ما در شناخت پروردگار و هم انگیزه ما در راه عبودیت است.

اینکه می گوئیم: انگیزه، به خاطر آنست که هر انسانی به هنگامی که نعمتی به او می رسد فوراً می خواهد، بخشنده نعمت را بشناسد، و طبق فرمان فطرت به سپاسگزاری برخیزد و حق شکر او را ادا کند.

به همین جهت علمای علم کلام (عقائد) در نخستین بحث این علم، که سخن از انگیزه های خداشناسی به میان می آید «وجوب شکر منعم» را که یک فرمان فطری و عقلی است به عنوان انگیزه خداشناسی، یادآور می شوند.

و اینکه می گوئیم: راهنمای ما در شناخت پروردگار نعمتهای او است، به خاطر آن است که بهترین و جامعترین راه برای شناخت مبدء، مطالعه در اسرار آفرینش و رازهای خلقت و مخصوصاً وجود نعمتها در رابطه با زندگی انسانها است. به این دو دلیل سوره **فاتحه** الکتاب با این جمله شروع می شود (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ).

برای پی بردن به عمق و عظمت این جمله لازم است، به تفاوت میان «حمد» و «مدح» و «شکر» و نتایج آن توجه شود:

تفاوت میان حمد، مدح، شکر و نتایج آن

«حمد» در لغت عرب به معنی ستایش کردن در برابر کار یا صفت نیک اختیاری است، یعنی هنگامی که کسی آگاهانه کار خوبی انجام دهد، و یا صفتی را برای خود برگزیند که سرچشمه اعمال نیک اختیاری است، ما او را حمد و ستایش می گوئیم. ولی «مدح» به معنی هر گونه ستایش است، خواه در برابر یک امر اختیاری باشد یا غیر اختیاری، فی المثل تعریفی را که از یک گوهر گرانبها می کنیم، عرب آن را «مدح» می نامد، و به تعبیر دیگر مفهوم مدح، عام است در حالی که مفهوم حمد خاص می باشد.





ولی مفهوم «شکر» از همه اینها محدودتر است، تنها در برابر نعمتهایی شکر و سپاس می گوئیم که از دیگری با میل و اراده او به ما رسیده است و اگر به این نکته توجه کنیم که الف و لام «الحمد» به اصطلاح «الف و لام جنس» است و در اینجا معنی عمومیت را می بخشد، چنین نتیجه می گیریم که هر گونه حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است. البته «شکر» از یک نظر، عمومیت بیشتری دارد، چرا که شکر گاهی با زبان است و گاه با عمل، در حالی که حمد و مدح معمولاً با زبان است.

حتی هر انسانی که سرچشمه خیر و برکتی است، و هر پیامبر و رهبر الهی که نور هدایت در دلها می باشد، هر معلمی که تعلیم می دهد، هر شخص سخاوتمندی که بخشش می کند، و هر طیبی که مرهمی بر زخم جانکاهی می نهد، ستایش آنها از ستایش خدا سرچشمه می گیرد، چرا که همه این مواهب در اصل از ناحیه ذات پاک او است، و یا به تعبیر دیگر حمد اینها، حمد خدا، و ستایش اینها ستایشی برای او است.

و نیز اگر خورشید نورافشانی می کند، ابرها باران می بارند، و زمین بر کاتش را به ما تحویل می دهد، اینها نیز همه از ناحیه او است، بنا بر این تمام حمدها به او بر می گردد. و به تعبیر دیگر جمله «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، اشاره ای است هم به توحید ذات و هم صفات و هم افعال (دقت کنید).

اصولاً توصیف «الله» در اینجا به «رَبِّ الْعَالَمِينَ»، در واقع از قبیل ذکر دلیل بعد از بیان مدعا است، گویی کسی سؤال می کند چرا همه حمدها مخصوص خدا است، در پاسخ گفته می شود: برای اینکه او «رَبِّ الْعَالَمِينَ» و پروردگار جهانیان است.

قرآن مجید می گوید الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ (خداوند کسی است که آفرینش هر چیزی را به بهترین صورت انجام داد) (سجده- ۷) و نیز می گوید: وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا: هر جنبه ای در زمین است روزیش بر خدا است (هود- ۶).

از کلمه «حمد» این نکته نیز به خوبی استفاده می شود که خداوند همه این مواهب و نیکیها را با اراده و اختیار خود، ایجاد کرده است، بر ضد گفته آنان که خدا را همانند خورشید یک مبدء مجبور فیض بخش می دانند.



جالب اینکه «حمد» تنها در آغاز کار نیست، بلکه پایان کارها نیز چنان که قرآن به ما تعلیم می‌دهد با حمد خدا خواهد بود. در مورد بهشتیان می‌خوانیم «دَعَوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» سخن آنها در بهشت نخست منزله شمردن خداوند از هر عیب و نقص، و تحیت آنها سلام، و آخرین سخنشان الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ است (یونس- ۱۰).

معنای ربّ

اما کلمه «رب» در اصل به معنی مالک و صاحب چیزی است که به تربیت و اصلاح آن می‌پردازد و کلمه «ریبه» که به دختر همسر انسان گفته می‌شود از همین جا گرفته شده است، زیرا او هر چند از شوهر دیگری است ولی زیر نظر پدر خوانده‌اش پرورش می‌یابد.

این کلمه بطور مطلق تنها به خدا گفته می‌شود، و اگر به غیر خدا اطلاق گردد حتماً به صورت اضافه است مثلاً می‌گوییم «رب الدار» (صاحب خانه) «رب السفینه» (صاحب کشتی).

در تفسیر «مجمع البیان» معنی دیگری نیز بر آن افزوده است و آن شخص بزرگی است که فرمان او مطاع می‌باشد، اما بعید نیست که هر دو معنی بیک اصل باز گردد.

معنای عالمین

کلمه «عالمین» جمع عالم است و عالم به معنی مجموعه‌ای است از موجودات مختلف که دارای صفات مشترک و یا زمان و مکان مشترک هستند، مثلاً می‌گوییم عالم انسان و عالم حیوان و عالم گیاه، و یا می‌گوییم عالم شرق و عالم غرب عالم امروز و عالم دیروز، بنا بر این «عالم» خود به تنهایی معنی جمعی دارد و هنگامی که به صورت «عالمین» جمع بسته می‌شود اشاره به تمام مجموعه‌های این جهان است.

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که جمع با «ین» معمولاً برای جمع عاقل است در حالی که همه عالمهای این جهان صاحبان عقل نیستند، به همین دلیل بعضی از مفسران کلمه «عالمین» را در اینجا اشاره به گروه‌ها و مجموعه‌هایی از صاحبان عقل میدانند مانند فرشتگان و انسانها و جن.



این احتمال نیز وجود دارد که این جمع بخاطر تغلیب باشد (منظور از تغلیب این است که مجموعه‌ای از صاحبان صفات مختلف را با وصف صنف برتر توصیف کنیم).

نویسنده تفسیر «المنار» میگوید: از جد ما امام صادق (ع) که رضوان خدا بر او باد چنین نقل شده که مراد از «عالمین» تنها انسانها هستند. سپس اضافه می‌کند در قرآن نیز «عالمین» بهمین معنا آمده است مانند «لَيَكُونَنَّ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا»: خداوند قرآن را بر بنده‌اش فرستاد تا جهانیان را انداز کند (سوره فرقان آیه ۱).

ولی اگر موارد استعمال عالمین را در قرآن در نظر بگیریم خواهیم دید که هر چند کلمه «عالمین» در بسیاری از آیات قرآن به معنی انسانها آمده است ولی در پاره‌ای از موارد معنی وسیعتری دارد، و انسانها و موجودات دیگر جهان را در بر می‌گیرد، مانند «فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبُّ الْعَالَمِينَ» ستایش مخصوص خدا است که مالک و پروردگار آسمانها و زمین، مالک و پروردگار جهانیان است (جاثیه آیه ۳۶).

و مانند «قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا»: فرعون گفت پروردگار عالمیان چیست؟ موسی در پاسخ گفت پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان این دو است (آیه ۲۳ و ۲۴ سوره شعراء).

جالب اینکه در روایتی که صدوق در کتاب «عیون الاخبار» از علی (ع) نقل کرده چنین می‌خوانیم: که امام (ع) در ضمن تفسیر آیه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» فرمود: رَبُّ الْعَالَمِينَ هم الجماعات، مِنْ كُلِّ مَخْلُوقٍ مِنَ الْجَمَادَاتِ وَالْحَيَوَانَاتِ: رَبُّ الْعَالَمِينَ اشاره به مجموع همه مخلوقات است اعم از موجودات بیجان و جاندار.

اما اشتباه نشود، در میان این روایات تضادی وجود ندارد، زیرا اگر چه کلمه «عالمین» مفهومی گسترده و وسیع است، ولی از آنجا که گل سر سبد مجموعه موجودات جهان «انسان» می‌باشد، گاهی انگشت مخصوصاً روی او گذارده می‌شود، و بقیه را تابع و در سایه او می‌بیند، بنا بر این اگر در روایت امام سجاد (ع) تفسیر به انسانها شده بخاطر آن است که هدف اصلی در این مجموعه بزرگ انسانها هستند.

این نکته نیز قابل توجه است که بعضی عالم را به دو گونه تقسیم کرده‌اند:

عالم کبیر و عالم صغیر، و منظورشان از عالم صغیر وجود یک انسان است، چرا که وجود یک انسان خود به تنهایی مجموعه‌ای است از نیروهای مختلفی که حاکم بر این عالم بزرگ می‌باشد، و در حقیقت انسان نمونه‌برداری از همه جهان است. آنچه سبب می‌شود که مخصوصاً ما روی مفهوم وسیع عالم تکیه کنیم آن است که بعد از جمله «الْحَمْدُ لِلَّهِ» آمده در این جمله همه حمد و ستایش را مخصوص خدا می‌شمریم، سپس رَبُّ الْعَالَمِينَ را به منزله دلیلی بر آن ذکر می‌کنیم، می‌گوئیم: همه ستایشها مخصوص او است چرا که هر کمالی و هر نعمتی و هر موهبتی که در جهان وجود دارد مالک و صاحب و پروردگارش او می‌باشد.

